



نگاهی گذرا بر سال کهنه و نظری بر سال جدید

بر آن بودم تا با آخرین سیه مشق سال کهنه و یا نخستین شکسته ریخته های سال جدید، طومار ناهنجاری ها، خورد و بُرد ها، خطا و خیانت ها، چور و تاراج ها و ندانم کاری ها و جبن و ترس و محافظه کاری ها و کجدار و مریز ها و... را بسته کنم و تلاشی به خرج دهم تا مگر بشود روی سرخ سیب را دید و یا هم نیمه پُر گیلان را، اما با هزاران درد و دریغ و با دل پُردرد و قلب خونین، آنگاهیکه یک نگاه ولو مختصر به سال کهنه ببندازیم، هیچ نکته مثبت و امیدوار کننده و نوید دهنده ای در آن به چشم نمی خورد.

سیب ایکه کاملاً گندیده باشد، روی سرخی در آن دیده نمی شود و گیلان ایکه پر از خون انسان باشد، نیمه پُر و نیمه خالی آن هر دو یکی است.

"حکومت وحدت ملی"، یک ترفند سخت انزجار آور است که از قصر سفید طراحی و صادر شده است.

آخر در کدام کتاب و کدام قانون و کدام وثیقه ای، در تمام کره ارض تذکر ای از همچو حکومت ای رفته است که پالیسی سازان پنتاگون و قصر سفید برای یک کشور جنگ زده و ویران و به تاراج برده شده و مردم زخم خورده و خسته و بی خانمان و سرگردان آن طراحی کرده اند.

طرحی در حد آخر تهوع آور، غیر عملی و ضد ملی، مگر نگفته اند که: "ده درویش در گلیمی بخسبند و دو پادشاه در اقلیمی ننگند".

و اما چگونه می شود انتظار کارآیی همچو ناروا ای در کشوری بود که بیشتر از سی سال است در آتش شعله ور جنگ های تحمیلی ای می سوزد که بیگانگان در آن مرز و بوم فروخته اند؟!

ولی و مگر و اما، بهتر آن است تا بجای برشمردن فساد های جاری و بر شمردن ریختن خون افغان به نام های مختلف، به اصطلاح وطنی خود ما "پوست کنده" و عریان و بدون "شف شف" گفتن، "شف تالو" بگوئیم و تذکر دهیم که منظور نظر مقامات قصر سفید و پنتاگون از ایجاد همچو رژیم ای در کشور ویرانه ما همین بوده است که کشور در یک کشمکش دایم و جنگ و ستیز مداوم قرار داشته باشد و هرگاه و ناگاه و هر شام و سبا "ع" در فرق "غ" بکوبد و برعکس و هیچگاه آرامش در آن ویرانه سرا برقرار نگردد، تا باشد هم از داخل "حکومت وحدت ملی" و هم از جانب طالب و چلی و داعش و این و آن، و نیز گروپ های مسلح غیرقانونی به نام "مبارزه با طلب و داعش"، که از زیر هرسنگ ده ها نوع آن بیرون می شوند، اوضاع و احوالی را به وجود آورد تا مردم عام افغانستان از ترس و وحشت این قتل و کشتار و چور و غارت و سنگسار و گردن بریدن و... قبول کنند که موجودیت عساکر امریکائی در افغانستان یک "نعمت الهی" است و خواهش کنند تا عساکر امریکا و ناتو افغانستان را ترک نکنند و گرنه "آدم"، "آدم" را زنده زنده پوست خواهد کرد و در هر جاده و چهار راه، سرهای بریده انسان

را به نمایش خواهند گذاشت و دار و ندارش به یغما خواهند برد و چور و تاراج بار دگر دهان دریده خود را گشوده و همه چیز را فرو خواهد برد و . . . اینست لب و لباب طرح و ایجاد "حکومت وحدت ملی" و "داعش" و اعوان و انصارشان. پس اگر از حق نگذریم باید قبول کنیم که در بیشتر از سه دههٔ پسین، همه رژیم ها و حکومت در افغانستان، دست نشاندۀ های بیگانه ها بوده اند، اما به نام ها و عناوین مختلف، و "ع" و "غ" و حکومت دو سرۀ شان هم حاصل همان بازی مسخره است و فراموش نکنیم که اندرین میان، شخصی بنام "حامد کرزی" رسواترین دلقک بوده است که تاریخ کشور ما به خود دیده است و فقط حکم پشه در سایهٔ پیل را داشته و دارد هنوز. این را از جهت ای تکرار اندر تکرار آورده و می آورم هنوز که اگر شاه شجاع اول را انگلیس ها بر مردم ما تحمیل کردند، شاه شجاع دوم را روس ها سوار بر میلهٔ تانک روسی در کابل نصب کردند و شاه شجاع سوم را کوماندو های امریکائی از کوه های ارزگان به ارگ کابل آورده و جابجا کردند.

در حقیقت آنچه به "کرزی" دستور دادند، او صادقانه انجام داد و طبق دستور قصر سفید و پنتاگون، تهداب را از خشت و سنگ نخست کج نهاد که تا امروز بنای وحدت ملی افغانستان کج رفته و هر روز در حال فرو ریختن است. کاش می شد در میان این همه خونریزی و جنگ و جدل و چور و تاراج و در بین این همه خونریزی و ویرانی و فساد اداری گسترده و خویش خوری و اقارب پروری و جنگ سالار و دزد و قاچاقبر سروری، اندکی هم، حتی یک فیصدی ناچیز هم در فکر شایسته سالاری می بودند تا می شد در این سال جدید آنرا انگشت گذاشت و بدان دلی خوش کرد و امیدوار فردا و فردا های خوب و نه بهتر، بود.

اما دریغا و دردا که این سال جدید هم چشم انداز روشن ای ندارد و تا چشم کار میکند تاریکی و سیاهی است و جنگ و گریز و فقر و فاقه گی و بی خانمانی و فرار از وطن و خونریزی و نابسامانی و هزار و یک ناروای دیگر که بر این مرز و بوم و این مردم بی دفاع و مظلوم تحمیل کرده اند و میکنند هنوز.

و اما امیدوارم در برداشت خود از اوضاع گذشته و کنونی و نیز در تحلیل مختصر اوضاع و احوال در سال جدید عیسوی، به خطا رفته باشم که مرا جز این آرزو ای نیست.

چه خوش فرموده اند جناب "نگارگر": "اگر شما اراده کنید که نجنگید، دیگران توان جنگاندن تان را ندارند، تا خمیر شما نرم است، دیگران این خمیر نرم را انگشت میزنند."

صمیمانه و از ته دل آرزو میکنم سال جدید پیام آور صلح و صفا، برادری و برابری و آزادی و وارستگی برای تمام بشریت و به خصوص برای مردم زجر دیده و برده بار افغانستان باشد!!!

در حیرتم از این همه تعجیل شما

از این همه صبر و طول و تفصیل شما

ما خیر ندیده ایم از سال قدیم

این سال جدید نیز تحویل شما

یار زنده و صحبت باقی!!!